



ترجمه مقاله " يك مقاله خوب سياستگذاري حاوی چه چیزی است؟ " از ديويد گلاور

ترجمه از:

مجتبی مهترپور

رضا خسروجردي

محمد عامر زاده

آزاده احمدزاده

۱.	یک مقاله خوب سیاستگذاری حاوی چه چیزی است؟.....	۳
۱-۱.	مقدمه.....	۳
۱-۲.	مقایسه توصیه های سیاستگذاری و پیامدهای سیاستگذاری.....	۳
۱-۳.	ده مثال از مقالات منتخب.....	۵
۱-۴.	نتیجه گیری.....	۱۴

۱. یک مقاله خوب سیاستگذاری حاوی چه چیزی است؟

۱-۱. مقدمه

گزارشات تحقیقاتی زیادی دارای داده های جالبی هستند اما در نتیجه گیری مناسب از آن داده ها برای ارائه سیاستگذاری ناموفقند یا نتیجه گیریشان را در یک مدل سرهم بندی شده ارائه می دهند. بعضی از رایجترین نواقص عبارتند از:

- ترسیم پیامدهایی که بر اساس داده ها نیستند (بعضی اوقات توصیه های نوشته شده قبل از انجام پروژه هم می توانسته ارائه شود.)
- تفسیر نادرست داده ها که نتیجه گیری غیر قابل اتکا را بدنبال دارد (بعنوان مثال اگر داده ها نشان دهند که گزینه A یک درصد هزینه بر تر از گزینه B است، به معنی ترجیح آشکار گزینه B نیست. بدین معنی است که هزینه هر دو گزینه یکسان است و برای انتخاب باید زمینه های دیگر این گزینه ها بررسی شود)
- ارائه توصیه های عمومی که تقریباً می تواند برای هر مشکلی ارائه شود (بعنوان مثال دولت باید یارانه بدهد...)
- به جای اینکه گزینه نتیجه گیریهای با ارزش در یک بخش ارائه شود، در لابلای گزارش مدفون می گردد.
- تنظیم مبهم نتیجه گیریها (که سیاستگذاران باید این یافته ها را در تصمیم گیری لحاظ کنند...) یا عدم ترسیم پیامدهای سیاستگذاری

این مقاله نمونه ای ۱۰ تایی از مقالات ادبیات اقتصاد محیطی را تحلیل می کند که با توجه به داده های تجربی، دارای توصیه های سیاستگذاری یا پیامدهای سیاستگذاری خوبی هستند. هر مقاله تحت عناوین ساختار و محتوی و مواردی بصورت خاص در آن بحث شده، خلاصه می شود. مقاله با خلاصه کردن بعضی از عناصر یک مقاله سیاستگذاری موثر به نتیجه می رسد.

۱-۲. مقایسه توصیه های سیاستگذاری و پیامدهای سیاستگذاری

یک توصیه سیاستگذاری عبارتی است که یک طرح پیشنهادی خاص برای اقدام ارائه می دهد. (مثال: ماموریت X باید به شرح ذیل انجام گیرد...)

پیامدهای سیاستگذاری یعنی تفسیر داده ها به روشی مفید برای سیاست سازان اما بدون تصریح خاص در اینکه چه کاری انجام شود. مثالی از پیامد سیاستگذاری عبارت است از:

"تحقیق ما نشان می دهد که خسارات ناشی از آلودگی هوا در میلان بسیار بیشتر از خسارات ناشی از آلودگی آب است"

این عبارت پیشنهاد می کند که دولت باید توجه بیشتری صرف آلودگی هوا کند اما معیارهای خاصی را توصیه نمی کند.

چگونگی مفید بودن پیامد سیاستگذاری، به زمینه بستگی خواهد داشت. اگر یافته بی سابقه باشد و روال دولت بی اساس دانستن آلودگی هوا است، پس خاطر نشان کردن جدی مشکل واقعا می تواند خیلی مفید باشد. اما اگر قبلاً همه جدی بودن آلودگی هوا را پذیرفته اند، پیامد سیاستگذاری چندان مفید نیست.

البته یک ناحیه خاکستری بین آن دو وجود دارد، در مثال فوق نویسندگان می توانستند اشاره کنند "بنابراین دولت باید منابع بیشتری برای کاهش آلودگی هوا اختصاص دهد" که یک توصیه است. اما خیلی اختصاصی نیست - مقاله افزایش مالیات بر بنزین را به میزان ۳۵٪ یا نیاز به استفاده کارخانجات جدید از نیروی الکتریسیته تولید شده از آب به جای زغال سنگ را پیشنهاد نمی کند . پیامدهای سیاستگذاری اغلب در قالب "اگر... پس" یا "if...then" ارائه می شود. گاهی اوقات یک توصیه می تواند بعنوان یک پیامد جمله بندی شود که کمتر تهاجمی بنظر برسد. مثال:

"چون گزینه A یک میلیون دلار بیشتر از گزینه B هزینه خواهد داشت، دولت باید گزینه B را در نظر بگیرد"

در مقابل

"اگر دولت گزینه A را انتخاب کند، یک میلیون دلار بیشتر هزینه خواهد کرد"

در این بررسی فرض بر این بود که مهمترین عامل در تولید نتایج مناسب سیاستگذاری، طرح سوال خوب تحقیق است. اگر سوال خوبی نپرسید، هیچ چیز جالبی بدست نخواهد آمد. امید است این مثالها، سوالات و دیدگاههای خوبی پیشنهاد کنند که دیگران بتوانند الگو بگیرند.

۱۰ مقاله از یک نمونه ۴۰۰ تایی گلچین شدند. از سال ۱۹۹۳ در کارگاهی که هر ششماه یکبار برگزار می شد یک سری ۲۵ تایی بک گراند مقالات به شرکت کنندگان در کارگاه ارائه شد تا نوامبر ۲۰۰۱ حدود ۴۰۰ مقاله . هر سری از بک گراند مقالات از مقالات ژورنالهای ششماه قبل شامل؛ ادبیات و گزارشهای رسانه ای خاکستری در خصوص اقتصاد محیطی جمع آوری شد.

نویسنده طی بررسی اجمالی از بین عناوین این ۴۰۰ مقاله، ۴۰ مقاله با عناوین گرایش سیاستگذاری پیدا کرد. بقیه برای گزارش داده ها، توصیف رویدادهای اخیر، یا برای نشان دادن متدولوژی اما مستقیماً برای تنظیم توصیه های سیاستگذاری استفاده نشدند. این تعداد اندک، از ۴۰۰ عنوان که به خاطر ارزش کاربردی آنها انتخاب شده بودند، برای گروهی از اقتصاددانان خبره محیطی تعجب آور بود. بخشهای تئوری و متدولوژیک ارائه شده نسبت به آنچه که یک شخص از یک ژورنال علمی متوسط پیدا خواهد کرد بیشتر است. با این وجود فقط ۱۰٪ نمونه ها صراحتاً مقاله سیاستگذاری بودند. از این رو به نظر می رسد بجز موارد استثنا گرایش غالب در میان محققان چشم پوشی از تجزیه و تحلیل سیاستگذاری باشد.

از بین ۴۰ مورد با عناوین مرتبط با سیاستگذاری، فقط ۳۰ مورد دقیقاً مرتبط با سیاستگذاری بودند آنها ضعفهای زیر را نشان ندادند:

- نتیجه گیریهایی که دقیقاً تصورات بودند و توسط داده ها حمایت نمی شدند
- مدلهایی که فقط جنبه ریاضی داشتند و نه داده (این یک شکل معتبر تحقیقاتی است اما بعید است سیاست گزاران را متقاعد کند)
- توصیه های مبهم ("بستگی دارد..." "تحقیق بیشتر مورد نیاز است..." "خیلی پیچیده است...")
- مفقود شدن بعضی چیزهای مهم در شرح فرآیند تحقیق که اعتبار گزارش را کاهش داده است (برای مثال عدم توصیف متدولوژی)

از بین ۳۰ مقاله باقی مانده مرتبط با سیاستگذاری ۱۰ مقاله برای رنجی از سوالات و سبک تحقیقاتی خوب انتخاب شدند. تشخیص داده شد که آنها مثالهای تاثیر گذاری از تحلیل سیاستگذاری باشند نه به این علت که دارای تاثیر دقیق سیاستگذاری باشند بلکه چون محقق

آنها را متقاعد کننده یافت. به عبارت دیگر "اگر من یک سیاست گذار بودم، این مقاله را می فهمیدم؛ ملاک اعتبار مقاله شد، بدست آوردن ایده ای شفاف از آنچه نیاز به اقدام دارد، و متقاعد کننده باشد که توصیه ها قابل پیش بینی هستند" ۱۰ مقاله بحث شده در ادامه آورده خواهند شد:

۱-۳. ده مثال از مقالات منتخب

"سیاستگذاریهای برزیل که جنگل زدایی در آمازون را تقویت می کند"

این یکی از اولین مطالعاتی بود که به تاثیر سیاستگذاری گستره اقتصاد بر محیط زیست می پرداخت. قبل از این خیلی از مردم ادعا داشتند یا فرض می کردند علت جنگل زدایی در برزیل شروع تجارت چوب یا پاکسازی زمین توسط مردم برای پرورش دام و صادرات گوشت گاو به آمریکای شمالی بود. (ارتباط با مک دونالد)

Binswanger تشخیص داد که در واقع بعضی از زمینهای پاکسازی شده برای چرای دام استفاده می شد. اما این دقیقاً شکست بازار بود - بازاری که نتواند ارزش احتمالی بالاتری را تشخیص دهد از زمین استفاده می کند - نواقص سیاستگذاری هم به آن کمک کرد. با توجه به رنج وسیعی از وضعیتها و سیاستگذاریهای اقتصاد کلان او اثرات غیر مستقیم و ناخواسته استفاده از زمین را مشاهده کرد. برای مثال برزیل در طول تاریخ تورم شدید داشت. زمین یکی از محدود جاهای ایمن برای گذاشتن پولتان بود که ضمانت افزایش ارزش داشت. سیاستگذاریهای دولت، ارتقاء کشاورزی و دامپروری را تشویق می کرد. ماهیت عمده پاکسازی و تصرف زمین، کسب مالکیت زمین در نواحی دور افتاده است. متصرف برای مطالبه به اندازه سه برابر زمینی که از جنگل پاکسازی کرده طبق قانون مستحق شناخته می شود. بنابراین مردم به اندازه زمینی که پاکسازی شده بود می توانستند داشته باشند - بیشتر از میزانی که استفاده می کردند. درآمد حاصل از کشاورزی و دامپروری معاف از مالیات بود. و قس علی هذا

در مقاله ای خیلی کوتاه **Binswanger** یک دوجین از سیاستگذاریهایی را بررسی می کند که نادانسته، پاکسازی جنگل را تشویق می کنند. این مقاله تاثیر زیادی داشت. و توجه مردم را از علل بدیهی و تقریبی به علل عمیق تر و اساسی جنگل زدایی راهنمایی کرد. این مقاله در نگاه به سیاستگذاریهای حوزه اقتصاد در کشورهای دیگر جذابیت زیادی ایجاد کرد. و در برزیل تاثیر داشت. دوسالی بعد خیلی از این یارانه ها و مشوقها برای پاکسازی زمین حذف شده است. البته ما نمی توانیم مطمئن باشیم که مقاله مسئول این اتفاقات باشد اما احتمالاً به انجام اتفاقات کمک کرد.

بحث

قوی ترین شاخصه مقاله شفاف و موجز بودن در تحلیل تاثیر سیاستگذاریهای دولت است. چون تحلیل آنقدر شفاف است که برای او ترسیم توصیه های سیاستگذاری خیلی ساده است او پیشنهاد می کند که این سیاستگذاریهای زیانبار منسوخ شود. نقطه ضعف مقاله چون بحدی مختصر است (۸ صفحه) که مقاله فاقد تشریح متدولوژی تحقیق است. روشن نیست که شخص چگونه این روش تحقیق را انجام می دهد. چطور او فرضیات را فرموله کرده در مورد اینکه چه نواقص سیاستگذاری ممکن است وجود داشته باشد؟ بنظر می رسد میزان معینی از دانش زمینه و بصیرت مورد نیاز باشد.

اما در حقیقت او با انجام این تحقیق یک امتیاز به ما می دهد. اگر بخواهیم به علل اساسی جنگل زدایی در یک کشور آسیایی نگاه کنیم می توانیم به مشابهت سیاستگذاری در محل توجه کنیم. به عنوان مثال، خیلی رایج است که پاکسازی جنگل بدست آوردن مالکیت قانونی را ساده می کند. البته بعضی از شرایطی که در دهه ۱۹۸۰ در برزیل شایع بود حالا اینجا کاربرد ندارد- و احتمالا سیاستگذاریهایی در کشورهای آسیایی وجود دارد که در برزیل نبود. اما حداقل کار قبلی مانند **Binswanger** می تواند نقطه شروع باشد.

این مقاله حتی می تواند ایده هایی در مورد علل تخریب محیط در نواحی دیگر به ما بدهد. به عنوان مثال، چرا مانگرو به پرورش میگو تبدیل می شود وقتی هر کسی می داند که در عرض چند سال آبیزی پروری از بین می رود آیا این فقط به این دلیل که در کوتاه مدت سود بسیار بالا است؟ و یا انجام سیاستگذاریهای غلط دولت، مانند آنهایی که **Binswanger** توصیف می کند نیز نقش بازی می کنند؟

اینجاست که بررسی متون قبلی می تواند در خصوص طراحی پروژه تحقیقاتی مفید باشد. بررسی متون فقط انجام تشریفات جهت اطمینان از عدم انجام همین تحقیق در دست مطالعه توسط دیگران نیست. یکی از مهمترین اهداف بررسی متون بدست آوردن ایده ها و فرضیاتی برای انجام کار تحقیقی خودمان است.

سوال تحقیقاتی این مقاله "چرا مردم دست به تخریب محیط می زنند؟" یا "علل اساسی رفتار تخریب کننده محیط چه هستند؟" یا "عوامل مرتبط با شکست بازار و عدم موفقیت سیاستگذاریها چه هستند؟"

❖ "Initiating Environmental Behavior in Manufacturing Plants in Indonesia".

هدف از این مطالعه پیدا کردن عوامل سوق دهنده شرکت های اندونزیایی به تعهد برای کاهش آلودگی و دیگر رفتارهای سازگار با محیط بود.

مقاله با توضیح اهداف و فرضیات شروع می کند، سپس نمونه انتخابی را توضیح می دهد (یک شهر)، طراحی و روش تحقیق را توصیف می کند و آنالیز رگرسیون چندگانه را اجرا می کند. نتایج به روش لیمان توصیف می شوند و آزمونهای آماری استفاده شده بصورت پاورقی تشریح می شوند.

مطالعه، رفتارهای محیطی در سطح کارخانه را شناسایی کرد و حوزه مواجهه قانونی، اجتماعی، فشارهای بازار و مشوقهای طراحی شده دولتی برای تهیه جهت نصب تجهیزات کنترل آلودگی کارخانجات را سنجید.

یافته های آماری نشان می دهد؛ ویژگیهای کارخانه، اقدامات قانونی، فشارهای اجتماعی و بازار و مشوقهای دولتی، در اینکه آیا یک کارخانه در کنترل آلودگی سرمایه گذاری کند، آیا برای مدیریت محیط و شیوه های مدیریت محیط تعهد بدهد، همه تاثیر گذاشتند. اما مطالعه نشان داد که ویژگی های کارخانه ها (اندازه و بخش) فقط بر میزان مخارج کاهش آلودگی اثر می گذارند. علاوه بر این، میزان کاهش آلودگی بسیار کم است، حتی در شرکت هایی که آن را انجام دادند.

نویسندگان دریافتند این نتایج مانند پازل بعضی از توضیحات احتمالی را ارائه می دهد. یکی اینکه شرکتهای بعضی از معیارهای مقدماتی/تدارکاتی کنترل آلودگی را جهت پاسخگویی به مقررات، فشارهای اجتماعی و بازار اجرا می کنند. آنها پول قابل توجهی برای کاهش آلودگی صرف نخواهند کرد مگر اینکه مجبور شوند. بررسی نشان داد که فقط ۱۳٪ کارخانه ها تجربه فشار اجتماعی و فقط ۲٪ تجربه فشار خریداران را داشتند. علاوه بر این اگر چه بخش وسیعی از کارخانه ها از طرف دولت در خصوص انتشار آلاینده بیش از استانداردها هشدار دریافت کرده بودند، اما آژانس بازخواست دولتی برای اجبار کارخانه ها جهت پاکیزه کار کردن قدرت قانونی

ندارد. نویسندگان نتیجه گیری کردند تا فشار اجتماعی و اجبار دولتی دندان طمع بعضی از شرکتها را نکشند بعید بنظر می رسد که کارخانه ها هزینه زیادی را صرف کنترل آلودگی کنند. آنها توصیه کردند که آژانسهای دولتی نظارتها و کنترل خود را افزایش دهند. یکبار ظرفیت ایجاد شده، دولت باید قدرت قانونی آژانس حفاظت از محیط را افزایش دهد.

بحث

مقاله یک گزارش گام به گام کامل و شفاف بر اساس فرآیند تحقیق از فرضیه اولیه تا نتیجه گیری در ۱۸ صفحه ارائه می دهد. یک نسخه مختصر از پرسشنامه تحقیق پیوست شد. بحث نتایج رگرسیون با یادآوری به خواننده در خصوص مبنای عناوین استفاده شده در مدل، قابل فهم شده است. به عبارت دیگر از خواننده انتظار نبوده است که مفهوم CP یا GRM را بخاطر داشته باشد نویسندگان این عبارات مخفف را در متن توضیح (فشار اجتماعی یا معیارهای نظارت دولت) داده اند.

مانند بسیاری از موارد تحقیقات در دنیای واقعی، نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل آماری مبهم و بخشی از پازل هستند. نویسندگان تفسیری معقول و توصیه های سیاستگذاری قابل دفاع از آن ارائه می کنند، در حالیکه اجازه می دهند برای هر نوع تفسیر احتمالی دیگری راه باز باشد.

این مقاله سوال می کند "چه عواملی بر رفتار محیطی تاثیر می گذارند؟" و "چه معیارهای سیاستگذاری برای تاثیر بر آنها می تواند اتخاذ شود؟"

❖ *“Reducing Degradation of Forests in Poor Countries When Permanent Solutions Elude us: What Instruments Do We Really Have?”*

این مقاله تایید می کند که آدرس دهی علل اساسی و دراز مدت جنگل زدایی در کشورهای در حال توسعه در یک پیمایش کوتاه مشکل است، سپس بعضی از علل و مشکلات وابسته به آنها را توصیف می کند.

با توجه به این و اظهار نویسنده که ۸۰٪ قطع درخت در کشورهای در حال توسعه بعنوان سوخت مصرف می شود، او دو (طرف تقاضا) سیاستگذاری را که استفاده از هیزم را کاهش خواهد داد مقایسه می کند الف) سیاستگذاری برای کاهش قیمت نفت سفید ب) سیاستگذاری برای تشویق استفاده از سوخت موثر **woodstoves**. او اثرات این سیاستگذاری را در جنگل زدایی در نپال ارزیابی می کند.

هیچیک از این دو سیاستگذاری در نپال اجرا نشده است. هدف نویسنده این بود که دریابد اگر این سیاستگذاریها اجرا میشد چه اتفاقی می افتاد. او از یک مدل برای شبیه سازی اثرات دو سیاستگذاری استفاده کرد و مدل را با استفاده از داده های واقعی از نپال اجرا کرد. نتایج به شرح ذیل است:

به این ترتیب برای اینکه تعداد قابل توجهی از مردم سوخت خود را از چوب به نفت سفید تغییر دهند به ۸۰٪ یارانه نیاز خواهد بود (به عنوان مثال برای کاهش قیمت خرده فروشی از ۶۷ روپیه در هر لیتر به ۱۳ روپیه). بعلت استفاده بخش وسیعی از جمعیت از هیزم، یارانه مورد نیاز خواهد بود (مطالعه ای در پاکستان نشان داد خانوارها با درآمد ۱۸۰۰۰ دلار در سال از هیزم استفاده می کنند) هزینه سالانه هر خانوار ۱۶۰ دلار در سال خواهد بود.

تهیه سوخت **woodstoves** با شارژ رایگان برای هر خانوار با هزینه توزیع و مدیریت حدود ۴/۵ دلار سالانه هزینه دارد.

هر دو سیاستگذاری جمع آوری هیزم را به یک سوم کاهش خواهند داد.

نویسنده یک پیش بینی را خاطر نشان می کند آن اینکه انتظار خواهیم داشت گزینه سوخت **woodstoves** ترجیح داشته باشد. یارانه نفت سفید کار را در اقتصاد از جمع آوری هیزم به فعالیتهای پرداخت یارانه جابجا می کند. از سوی دیگر، استفاده از **woodstoves** یک پیشرفت فنی است، به جای اینکه فقط کار را جابجا کند، روی ارزش کار خانوار اثر افزایشی دارد.

سایر ملاحظات:

یک آستانه درآمدی که در آن افراد از چوب به نفت سفید تغییر دهند وجود دارد. مردم قبلا در بالاترین گروههای درآمدی از نفت سفید استفاده می کردند چون دریافته بودند که راحتی آن با ارزش تر از هزینه بالاترش است. اگر یارانه ای پرداخت شود، مردم دریافت خواهند کرد بدون اینکه تاثیری روی جنگل زدایی ایجاد کند. مردم درست زیر آستانه درآمدی هستند یارانه ای بسیار بیشتر از آنها که واقعا نیاز است که سوختشان را تغییر بدهند دریافت می کنند. (رانت، اگر شما موافقید). مردم در پایین نردبان درآمدی حتی ممکن است با یارانه ۸۰ درصدی تغییر ندهند و اگر تغییر نمی دهید، شما یارانه بدست نمی آورید. بنابراین در این سیاستگذاری ناکارآمدی بعلاوه اثر کاهشی در عدالت وجود دارد. سوخت **woodstoves** یک منفعت ثانویه هم دارد - باعث بهبود کیفیت هوای داخل اتاق می شود. از سوی دیگر تنفس دارد و ناگزیر هر دو یا سه سال یکبار جایگزین می شود.

بحث

این مقاله به چندین دلیل موثر است:

- به وضوح در اوایل سیاستگذار مرتبط با خودش را بنا می کند(بعنوان مثال چون مقابله با علل اصلی جنگل زدایی مشکل است ما به جستجوی اقدامات ثانویه در کوتاه مدت نیاز داریم). این عملی است.
- مقاله چون یک چیز فرضی را ارزیابی می کند، مجبور به استفاده از مدل است. اما از داده های واقعی استفاده می کن نه تنها از جبر بنا بر این متقاعد کننده تر است.
- در بخش نتایج از کلیدهای کمی استفاده می کند و آنها را بخوبی ارائه می کند.
- بین دو سیاستگذاری تفاوت هزینه اثر بخشی آشکاری را نشان می دهد و دلیل آنرا توضیح می دهد(باز تخصیص کار در مقابل پیشرفت تکنولوژی).
- توضیح می دهد که چرا یارانه پرخرج و ناکارا است(بعلت آستانه تاثیر)

ضعف اصلی مقاله آن است که توضیح نمی دهد که چرا چنین استراتژی بدیهی اتخاذ نشده است. اگر **woodstoves** آنقدر ارزان است چرا افراد آنرا نمی خرند. اگر **woodstoves** می شکند، چرا اقدام به طراحی و فروش انواع بهتری نمی کنند؟ این مقاله نمونه ای از ارزیابی سیاستگذاری برنامه ریزی شده - ارزیابی مجموعه ای از سیاستگذاریهای فرضی قبل از اجرا و مقایسه آنها است. سوالاتی که می پرسد عبارتست از: "کدامیک از دو سیاستگذاری بهتر خواهد بود؟" و "مبنای اقتصادی هریک که بر اجرای آنها موثر هستند چیست؟"

❖ "The Cost-effectiveness of Conservation Payments"

هزینه اثر بخشی پرداختهای محافظه کارانه

این مقاله فرضیه ای را ارائه می دهد که پرداخت مستقیم به افراد و گروههایی که از اکوسیستم محافظت می کنند هزینه اثر بخش تر از جذب حامی برای پروژه های توسعه ایی که خروجی های تجاری و حفاظت از اکو سیستم بعنوان محصول مشترک آنهاست. رویکرد اخیر قراردادی معقول است و شامل مواردی از قبیل اکو توریسم، چشم انداز تنوع زیستی، استحصال محصول غیر چوب از جنگل و قطع انتخابی درخت می باشد. برخی از طرح های پرداخت مستقیم در حال انجام را توضیح می دهد.

سپس با استفاده از مدل جبری، که فرضیه اولیه را تایید کند. -یک پروژه پرورش زنبور عسل - که مدل را به داده های واقعی متصل می کند با یک نمونه تجربی به اتمام می رسد. زنبورداران در کناره جنگل کندوی زنبور عسل جایگذاری می کنند. زنبور عسل شهد و گرده را از گیاهان جنگلی جمع آوری می کند و زنبوردار، عسل را به می فروشد. مدیران پروژه برای حفظ یک منطقه واگذار شده از جنگل یک انتخاب دارند پرداخت مستقیم به زنبورداران، یا پرداخت یارانه به پرورش زنبور عسل، که شاید دادن کندوهای رایگان باشد. (چگونه یارانه موثر واقع خواهد شد در مقاله دقیقاً توضیح داده نشده است).

هنگامی که مدل با استفاده از هزینه های واقعی نیروی کار، سرمایه، عسل و غیره، اجرا شد نشان داد که رویکرد یارانه ۱۲ برابر بیشتر از روش پرداخت مستقیم هزینه بر است. زنبورداران سود خود را با ۳۰ درصد کمتر از روش یارانه و تنها ۱۰ درصد تحت رویکرد مستقیم افزایش می دهند. در این حال، صرفه جویی در هزینه از رویکرد مستقیم آنقدر زیاد است که مشارکت کننده استطاعت ایجاد یک افزایش سود حتمی ۲۰٪ دارند.

مقاله سپس در مورد برخی از مشکلات اجرایی هر دو دیدگاه و بحث می کند و در می یابد که آنها خیلی متفاوت نیستند. در نهایت، مقاله می پرسد که چرا مشارکت کنندگان خواهان رویکرد مستقیم هستند، با اینکه هزینه های آن خیلی بیشتر است. دلایل چیزهایی مانند این باور که؛ توسعه را ترویج می دهند، پروژه از پرداخت قابل مشاهده تر هستند، آنها آثار مثبت ایجاد می کنند و غیره. نویسندگان استدلال مخالفی برای هر یک ارائه کردند.

بحث

قوی ترین نکته این مقاله قرار گیری فرضیه و نتیجه گیری آن در برابر روال معقول متعارف است. بنابراین احتمالاً برای جلب نظر است - احتمالاً برای چاپ شدن در ژورنالها است و خوانندگان را بیشتر از مقالات دیگری که همان استدلالها را انجام داده اند جلب کند. نقطه قوت دیگر آن بخش پایانی است که انگیزه های مشارکت کنندگان را تحلیل می کند و استدلالهای مخالف را ارائه می دهد. اینجا نویسندگان فراتر از توصیه های سیاستگذاری می روند - آنها بحثی را پیش می کشند که ممکن است منجر به فراهم کردن خوراک برای افرادی شود که از نقطه نظر نویسندگان حمایت کنند.

ضعیف ترین نقطه مقاله این است که، اگر چه مدل پیچیده نیست، یا درک آن برای افراد عادی آسان است. اگر آنها یک توصیف کلامی، حسی ارائه می کردند که چرا مدل نتایجی را تولید می کند که مقاله **Bluffstone** تولید کرده بود، استدلال می توانست تقویت شود.

این مقاله همچنین یک مثال از ارزیابی سیاستگذاری برنامه ریزی شده است. می پرسد: "چرا سیاست گذاران سیاست فعلی را ترجیح می دهند؟"

❖ ***Effectiveness of the EPA's Regulatory Enforcement: The Case of Industrial and Effluent Standards.***

هدف از این مطالعه درک نحوه اثربخشی قوانین آژانس حفاظت از محیط زیست آمریکا در مورد آلودگی آب بوده است. قبل از این مطالعه تعدادی از افراد به اثر بخشی قوانین مختلف ایمنی و بهداشت آمریکا توجه کرده بودند (بعنوان مثال قانون استفاده از کمر بند ایمنی) اما در مورد قوانین محیط زیست مطالعات کمی وجود داشت. بنابراین نویسندگان تصمیم انجام یک مطالعه و مقایسه اثر بخشی قوانین EPA با قوانین ایمنی و بهداشت گرفتند.

آنها مطالعه را با توجه به مطالعات قبلی در خصوص قوانین ایمنی و بهداشت شروع کردند. سپس نحوه چگونگی انجام مطالعه را توضیح دادند شامل: روش نمونه برداری، مراحل اجتناب از ایجاد سوگیری در نمونه برداری و محدودیتهای مطالعه و سوم نحوه اجرای قوانین؛ هم به لحاظ حقوقی و هم در عمل را توضیح دادند. (بعنوان مثال چگونگی فرض انجام کار و چگونگی انجام کار در واقعیت) سپس جمع آوری داده ها را توضیح دادند که ارتباط بین بازرسیهای EPA و آلودگی ناشی از تخلیه آلاینده را می سنجد. سپس یافته ها را گزارش کردند:

- تخلیه آلاینده با بازرسیها رابطه معکوس دارد (بعنوان مثال هر چه تعداد بازرسی بیشتر شده تعداد تخلیه کمتر شده است) هر بازرسی تقریباً ۲۰٪ تخلیه آلاینده را کاهش می دهد.
 - اثر بازگشتی (جبرانی) ندارد - تخلیه آلاینده بعد از بازرسی افزایش پیدا نمی کند
- بعد با استفاده از انتقال فایده، تحلیل هزینه - فایده "اکتشافی" انجام دادند و دریافتند که فایده بسیار بیشتر از هزینه است (۴۲۰۰۰ دلار فایده در برابر هزینه ۳۳۰ دلار به ازای هر بازرسی)
- استنتاج آنها این بود که قوانین EPA اثر بخش هستند و احتمالاً از تست هزینه-فایده موفق گذر خواهند کرد.
- مقررات مدیریت ایمنی و بهداشت شغلی (OSHA) بسیار سخت گیرانه است اما آزادانه اجرا می شود. مطالعات تاثیر بسیار کم مقررات OSHA را نشان داده اند. نویسندگان نتیجه گرفتند که رویکرد سازمان حفاظت محیط زیست - استانداردهای معتدل اما اجرای دقیق آنها - بسیار موثرتر است. این مشاهدات بسیار کاربردی است - بطوریکه برای قانونگذار قابل استفاده است.
- بحث

از بین مقالات بررسی شده این مقاله به قالب گزارشهای تحقیقاتی EEPSEA نزدیک تر است. آن توصیفی شفاف و کامل از هدف، روشها و نتایج ارائه می دهد. بعنوان یک مدل خوب می تواند برای نویسندگان استفاده شود.

مقاله خیلی خوب از مرور متون استفاده می کند. با توجه به مقررات OSHA و تباین آنها با مقررات EPA، مقاله قادر است که اجرای مقررات EPA بعنوان زمینه قرار دهد تا نحوه مقایسه مقررات EPA با OSHA را نشان دهد. مهمتر اینکه به نویسندگان نشانه ای می دهد به اینکه چرا مقررات EPA اثر بخش تر است - به نظر می رسد بدلیل امکان پذیری استانداردها و بالا تر بودن نرخ بازرسیهایشان باشد. اگر به مقررات OSHA توجه نکرده بودند نمی توانستند نتیجه گیری خود را ترسیم کنند.

این مقاله مثالی از ارزشیابی سیاستگذاری بوقوع پیوسته و ارزیابی سیاستگذاری بعدی که برای مدتی اجرا شده است تا ببینند چگونه اثر گذار بوده است و مقایسه آن با سیاستگذاریهای دیگری که بصورت متفاوت اجرا شده اند. سوال تحقیق این است که "آیا سیاستگذاری موثر است؟" و "اگر بله چرا؟"

❖ "Water Pollution Abatement by Chinese Industry: Cost Estimates and Policy Implications"

کاهش آلودگی آب بوسیله صنایع چین: تخمین هزینه و اجرای سیاستگذاری

این مقاله با یک بیان مسئله خیلی کوتاه (سه جمله ای) شروع می کند. اشاره می کند به یک پایگاه داده جدید که اطلاعاتی در مورد کاهش آلودگی آب در صنایع چین ارائه می دهد. مقاله از این پایگاه داده ها برای تخمین کاهش هزینه های عملیاتی، ارزیابی بهره وری اقتصادی مقررات جاری استفاده می کند و یک نظام اخذ عوارض انتشار را شبیه سازی می کند.

یک بک گراند یک صفة ای مشکلات آلودگی صنایع چین را توضیح می دهد؛ یک صفة پایگاه داده را توضیح می دهد، و سه صفة روش تحلیل را توضیح می دهد. یافته ها در سه صفة ارائه می شوند، نتایج اصلی در چهار نکته تصریح می شوند.

نتایج عبارتند از:

- تفاوت هزینه ای بین شرکتها بسیار وسیع است (بیش از ۳۰:۱) بنابراین صرفه جویی بالقوه با استفاده از ابزار مبتنی بر بازار بسیار زیاد است.
- استانداردهای سخت گیرانه هزینه های قابل توجهی ایجاد خواهند کرد. یک برآورد فایده برای تصمیم گیری مورد نیاز خواهد بود اما یک پیشبینی نشان می دهد که اتخاذ بالاترین استانداردها مقرون به صرفه نیست.
- اخذ عوارض به میزان یک دلار به ازای هر تن انتشار کاهش معنی داری را القاء خواهد کرد
- تغییر از نظام مالیاتی جاری (که دارای حداکثر مقدار مجاز انتشار به علاوه جریمه برای انتشار بیش از حد) به یک قرارداد اخذ عوارض انتشار، هزینه های کاهش آلاینده را ۷۳ درصد تقلیل خواهد داد.

شفافیت و خلاصه نویسی از نقاط قوت مقاله هستند. نویسندگان از میزان گسترده ای از داده ها برای استخراج استنتاج سیاستگذاری روشن استفاده خلاقانه کرده اند. هریک از چهار نکته نتایج شامل یک یا دو اصطلاح هستند که درک آن ساده است.

اگر مقاله یک ضعف داشته باشد، ممکن است بیان مسئله باشد. چون خیلی خلاصه است این تصور را می دهد که نویسندگان با پایگاه داده ها شروع کردند سپس راهی معدن شدند و توانستند به نتایج برخورد کنند. گفتن آن سخت است که آیا نویسندگان از ابتدا سوال تحقیقاتی روشنی در ذهن داشته اند یا آنها واقعا برای دیدن طرح ها در داده ها خیلی خوب هستند.

علاوه بر این، مطالعه دقیق نشان می دهد که جداول ناقص هستند. استخراج نتایج از این داده ها به تنهایی محتمل به نظر نمی رسد. به طور کلی، مقاله در ارائه نسبت به تجزیه و تحلیل دقیق قوی تر است.

این مقاله می پرسد "صرفه جویی های بالقوه ناشی از تغییر سیاستگذاری چه هستند؟" و "سیاستگذاری جاری چگونه با یک سیاستگذاری فرضی مقایسه می شود؟" بطوریکه هم ارزیابی سیاستگذاری پیش بینی شده و هم بوقوع پیوسته باشد.

❖ "Water Markets: Why, When, and How to Introduce Tradable Water Rights?"

چرا، چه وقت و چگونه حقوق آب قابل معامله مرسوم می شود؟

ابتدا Thobani مشکل کمبود آب توصیف می کند و مشکلات امکان پذیری سیاستگذاری مرسوم شدن ابزار مبتنی بر بازار برای مقابله با آن را بحث می کند. (به عبارت دیگر علت عدم پذیرش MBI را توضیح می دهد). کاستیهای بازار غیر رسمی آب را فهرست می کند. فهرستی از قوانین موجود در کشورهایی که تجارت آب دارند را ارائه می کند و اثراتی که تجارت آب در این کشورها داشته را خاطر نشان میکند. از بالا، حداقل شرایط لازم برای موفقیت تجارت آب را فهرست می کند. در نهایت، بر اساس تجربه شیلی، دستورالعملی برای معرفی تجارت آب فراهم می کند. این دستورالعمل ها با موانع سیاسی به اندازه موانع فنی رودر روست، به عنوان مثال ::

- شروع یک کمپین اطلاع رسانی
- اختصاص حقوق اولیه آب به کاربران فعلی، برای جلوگیری از تقابل
- قوانین جدید خروج از مزایده.

بحث

نقطه قوت مقاله کاربردی بودن آنست و فنی نیست و درک آن آسان است. عدد و جدول ندارد. برای اصلاح سیاستگذاری بر موانع سیاسی و مدیریتی و چگونگی مقابله با آنها بمنظور دستیابی به مزایای مشخص شده در تئوری اقتصادی تاکید میکند. از جمله سولات مقاله عبارتند از: " کشورهای مختلف که تا به امروز تغییر سیاستگذاری خاصی داشته اند چه تجربه ای دارند؟" و "حداقل شرایط مورد نیاز برای کار سیاستگذاری چیست؟"

مقاله مشابه از Magda Lovei هست با عنوان:

"Phasing Out Lead from Gasoline: World-wide Experience and Policy Implications"

❖ ***"The Economic Benefits of Surface Water Quality Improvements in Developing Countries: A Case Study of Davao, the Philippines"***

مزایای بهبود کیفیت آبهای سطحی در کشورهای در حال توسعه: مطالعه موردی از... فیلیپین

در این مطالعه از مدل ارزشگذاری مشروط و مدل هزینه سفر به منظور برآورد ارزش اقتصادی جای مردم بنابر بهبود کیفیت آب رودخانه ها و دریای نزدیک اجتماع آنها استفاده شده است. از هر دو روش ارزشگذاری ارائه شده نتایج خیلی مشابهی بدست آمد در هر دو مشخص شده است که تمایل به پرداخت برای بهبود کیفیت آب بسیار پایین است، هر دو بصورت مطلق و به عنوان درصدی از درآمد خانوار.

اگرچه ساکنان از آسیبهای ناشی از آلودگی بعلت عدم تصفیه فاضلاب رنج می برند، اثرات جانبی کمی وجود دارد - کسانی که رنج می برند خود مسئول ایجاد بیشتر آسیبها هستند. آنها با آگاهی از این آسیبها، اقداماتی برای اجتناب از آن آسیبها انجام می دهند. آنها احساس می کنند که فرصت های ارزشمند بازآفرینی را از دست داده و در مورد آلودگی احتمالی مواد غذایی نگران می شوند اما به نظر نمی رسد احساس کنند که این به اندازه مشکلاتی مانند زباله های جامد جدی است.

در حالی که در خیلی از مطالعات ارزشگذاری مشروط (از جمله برخی توسط نویسندگان) تمایل زیاد برای پرداخت جهت بهبود کیفیت آب در موارد خاص نشان داده اند، این مطالعه نیست. هر پروژه ای که متحمل هزینه های قابل توجهی برای بهبود کیفیت آب - و متکی به همکاری ساکنان محلی برای پرداخت به آنها باشد - احتمالاً شکست خواهد خورد.

بحث

استفاده از دو روش ارزشگذاری که برآوردهای خیلی مشابهی را ارائه داده، اعتبار زیادی به مطالعه بخشیده است.

روش ارزشگذاری مشروط، به درستی بکار برده شده، ارتباط نزدیکی بین محققان و جامعه ایجاد میکند و بینشی برای ورود به دیدگاهها و انگیزه ها فراهم می کند - یعنی نه تنها مردم چقدر مایل به پرداختند، بلکه چرا؟.

نتیجه گیری مطالعه - تمایل به پرداخت بسیار پایین تر از حدی است که برای تامین مالی پروژه مبنایی را فراهم کند - یک ارزش است. این "یافته منفی" (که ممکن است به خوبی محققان شگفت زده کرده باشد) به هیچ وجه علامت شکست مطالعه نیست. این می

تواند در اجتناب از هدر رفت سرمایه گذاری بسیار با ارزش باشد و اجازه می دهد این بودجه در جای دیگری که مولدتر است استفاده شود.

این مطالعه می پرسد "آیا ذینفعان پروژه تمایل کافی برای تامین منابع مالی پروژه را دارند؟"

❖ "Evaluating Carbon Offsets from Forestry and Energy Projects: How Do They Compare"?

این مقاله به بررسی محاسن استفاده از جنگل و یا طرح های انرژی در کشورهای در حال توسعه به عنوان راه هایی برای جبران افزایش انتشار کربن می پردازد. هر دو نوع پروژه ها در مذاکراتی در باره مبادله کربن به عنوان راهی برای کاهش هزینه های اجتناب از تغییرات آب و هوایی بحث کرده اند. روال معقول این است که عملیاتی شدن پروژه های جنگلداری بسیار مشکل هستند. پنج دلیل ارائه شده از جمله افزونگی (دانستن اینکه در غیاب یک موافقتنامه چقدر جنگل می توانست حفظ شده باشد، سخت است)، اندازه گیری مبنا، نشت (سناریوی "کسب و کار" در غیاب یک پروژه چیست؟)؛ و غیره.

Chomitz هر یک از این پنج معیار به نوبه خود را می گیرد و پروژه های جنگلداری و انرژی با هریک مقایسه می کند. به عبارت دیگر، چگونه مشکل افزونگی پروژه های انرژی را تحت تاثیر قرار می دهد؟ چگونه آن پروژه های جنگلداری را تحت تاثیر قرار می دهد؟ آیا درست است که افزودگی یک مشکل بسیار بزرگتر برای بعد است؟

در هر یک از این پنج بخش، هیچ تفاوت عمده بین پروژه های انرژی و جنگل وجود ندارد - هر چند می تواند تفاوت بزرگ بین پروژه ها در هر بخش وجود داشته باشد.

بحث

مانند برخی از دیگر مقالات نویسنده (به عنوان مثال، "منافع داخلی جنگلهای گرمسیری"، بانک جهانی تحقیقات آبرور، 1 # 13، فوریه ۱۹۹۸)، این مقاله به دلیل انکار عقل سلیم به احتمال زیاد بدنبال جلب توجه است. توصیه های خاص سیاستگذاری ارائه نمی کند اما دارای پیامدهای سیاستگذاری روشن است. پیامد این است که انجام پروژه های جنگل احتمالاتی را برای مبادله کربن ارائه می کند و این فرصت نباید نادیده گرفته شود.

سوالات این مقاله عبارتند از: "آیا این پدیده موجود، چقدر مشکل و یا فرصتی بزرگ است؟" و "چقدر سیاست گذاران باید به آن اولویت بدهند؟"

❖ Indonesia's Fires and Haze: The Cost of Catastrophe

آتش سوزیها و مه در اندونزی: هزینه کمرشکن

در این مطالعه کل ارزش خسارت انسانی و اکوسیستم ناشی از آتش سوزی و مه ۱۹۹۷ برآورد شد. این کار به تفکیک تأثیر و کشورهای خسارت دیده انجام شد. نتایج به سرعت منتشر و به طور گسترده ای در مطبوعات بین المللی نقل قول شد. تحقیقی در مورد علل آتش سوزی انجام نشد فقط پیامدها منتشر شد. این مطالعه در چند هفته با استفاده از روش "back of the envelope" انجام شد.

بحث

^۱ یک روش تقریبی ریاضی است که دقیق تر از حدس و تقریبی تر از محاسبات دقیق ریاضی است برای ساده کردن و سرعت بخشیدن به محاسبات استفاده می شود بعنوان مثال برای بدست آوردن دید کلی از نسبت درآمد به هزینه سالانه شرکتها استفاده می شود

یکی از نقاط قوت مطالعه تفکیک اثرات است. این مطالعه نشان داد که بزرگترین خسارت های مناطق دور از مه، آسیب به سلامت مردم بوده است، نه به کسب و کار آنطوریکه قبل از این گزارش های رسانه ها اشاره کرده بودند. همچنین نشان داد که ۸۵ درصد از خسارت ها به کشور اندونزی وارد شده است، که انگیزه قوی برای جلوگیری از آتش سوزیهای آینده به این کشور می دهد. برآوردهای خسارت اصلی در دو جدول ساده، خلاصه شد. تا آنجا که ممکن بود اعداد رند شدند. شکلهای اصلی با مقایسه های قابل فهم همراه بود. کل خسارت با خسارت ناشی از بلایای محیطی قبلی، مانند اکسون والدز در آلاسکا مقایسه شد. خسارت در کشورها بطور جداگانه با منابع جایگزین استفاده شده مقایسه شدند. (خسارت اندونزی معادل با کمک های خارجی دریافتی سالانه خود شد. خسارت مالزی معادل هزینه ایجاد و نگهداری یک منطقه حفاظت شده بود.) این مقایسه ها "سهامیه بندی" یافته ها را افزایش داد. بسیاری از خوانندگان اظهار کردند که آنها یافته ها را بسیار قابل فهم تر کردند.

از آنجا که مطالعه علل آتش سوزی جنگل ها را بررسی نکرد، نویسندگان نتوانستند به تحقیقات اولیه عنوان پایه ای برای توصیه های سیاستگذاری استناد کنند. با این حال، پیش بینی شد که مطالعه سوالات زیادی در مورد آنچه باید انجام میشد را ترسیم خواهد کرد، نویسندگان متون موجود در مورد علل آتش سوزی و توصیه هایی که در مورد مدیریت بهتر جنگل شده بود را بررسی کردند. خلاصه ای از این ادبیات، با استناد مناسب، در کتاب گنجانده شده است. بنابراین نویسندگان توانستند به سوالات در مورد آنچه باید انجام می شد پاسخ قانونی بدهند- و پایه پاسخ خود را در تحقیق استوار کنند.

تاثیر اصلی این مطالعه افزایش آگاهی از مشکل بود. حتی بدون داشتن توصیه، به سادگی جلب توجه کرده به نظر می رسد برخی از تاثیر داشته اند. برخی از نهاد ها برای تامین مالی پروژه های حفاظت از جنگل به مطالعه EEPSEA استناد کردند. پرسشهایی که این مطالعه مطرح کرد عبارت بود از: "چقدر این مشکل محیطی بزرگ است؟" و "چه کسی از آن متاثر می شود؟"

۴-۱. نتیجه گیری

این مثالها در باره عناصر یک مقاله خوب سیاستگذاری به ما چه می گویند؟

به نظر می رسد یکی از مهمترین ها طرح سوال تحقیقاتی خوب و ارائه خوب یافته ها باشد.

مثالها سوالات گوناگونی پرسیدند:

۱. علل اساسی رفتار سازگار با محیط چه هستند؟

Binswanger در مقاله جنگل زدایی برزیل

Rock & Aden در مقاله آلاینده های اندونزی

۲. ارزیابی سیاستگذاری

a. پیش ارزیابی: اجرای یک سیاستگذاری با توجه به موثر بودن، بهره وری، عدالت و دیگر معیارها چگونه خوب خواهد بود؟

Bluffstone در مقاله فر پخت غذا در نپال

Ferraro & Simpson در مقاله پرداختیهای جنگل

Dasgupta در مقاله کاهش هزینه ها

b. ارزشیابی در حال اجرا: اجرای یک سیاستگذاری موجود با توجه با به موثر بودن، بهره وری، عدالت و دیگر معیارها چگونه خوب

است؟

c. حداقل شرایط مورد نیاز برای اجرای موفق یک سیاستگذاری چیست؟

Thobani در مقاله تجارت آب

d. مقایسه تجربیات سیاستگذاری چه درسها یا راهنماییهایی را (بین کشورها یا در داخل یک کشور) ارائه می دهند؟

Thobani در مقاله تجارت آب

۳. منابع بالقوه تامین مالی یک روش ابداعی چیست؟

Choe et al در مقاله کیفیت آب در فیلیپین

۴. یک مشکل و یا فرصت چقدر بزرگ است؟ " و " کدام باید اولویت بدست آورد؟

Chomitz در مقاله پروژه های کربن

EEPSEA در مقاله آتش سوزی و مه

یکی از نکاتی که Daniel Bromley در ارزشیابی مقاله EEPSEA در سال ۲۰۰۰ انجام می دهد آنست که - مانند بیشتر متون ارزشیابی اقتصادی - مقاله EEPSEA به دادن تعداد زیادی پروژه که درگیر ارزشگذاری هستند تمایل دارد. اما کمی بعد در مواجهه با سوال ۱ قرار می گیریم. " سوال ۱ احتمال مفیدتر بودن برای سیاستگذاران؟ " می بینیم که ارزشگذاری به خودی خود نمی تواند واقعا به تصمیم گیران راهنمایی زیادی ارائه دهد.

پروژه های نوع ۴ گاهی مانند "ترقه های سیگاری" عمل می کنند. ترقه های سیگاری صدای زیاد ایجاد می کنند و جلب توجه می کنند حتی واقعا قدرت ندارند. گاهی یک پروژه کاری بیشتر از جلب توجه برای یک مشکل نمی کند، جز اینکه افرادی را برای کشف و حل مشکل تحریک می کند. اما برای این اتفاق معمولاً نیاز به یک مشکل بزرگ محیطی و یک ترقه سیگاری خیلی نورانی هست. این شرایط غالباً ایجاد نمی شود و نمی توان یک استراتژی تحقیق را برای دستیابی به اثر ترقه های سیگاری طراحی کرد.

متأسفانه، در حالی که نمونه های زیادی از مطالعات ارزشگذاری وجود دارد، نمونه های کمتری از تحقیقات که شناسایی شکست اساسی بازار و سیاستگذاری که مشکلات محیطی را پیگیری می کنند وجود دارد. این نوع پژوهش نیز بیشتر متکی بر شهود و سوالات باز و تکنیک هایی است که می تواند از کتاب های درسی به آموخته شود.

شکلی از ارزشگذاری که مستقیماً می تواند برای مشکلات سیاستگذاری کاربرد داشته باشد مقاله # ۳ است.

در اینجا منظور تبیین این نکته است که اگر مردم واقعا مایل به پرداخت برای یک تغییرات زیست محیطی خاص (به طوری که تغییر بتواند رخ دهد. اغلب افراد می خواهند تمایل به پرداخت برای کیفیت ذهنی محیط زیست را ارزیابی کنند) مانند ارزش موجود جنگل گرمسیری باشند، شناسایی وسیله ای معتبر برای پرداخت، ممکن است مشکل یا غیر ممکن باشد (وسیله ای که افراد بتوانند تمایل به پرداخت بالقوه خود را به پرداخت واقعی را برگردانند).

این تنها یک مشکل متدولوژی نامناسب نیست. این وضعیت به ما می گوید که هرگونه تاثیر سیاستگذاری "پژوهش" بعید است. حتی اگر با "ترفند" بتوانیم مردم را به پرداخت مقداری راضی کنیم، امکان نخواهد داشت آنها واقعا آماده پرداخت باشند. در آن صورت، تامین مالی بهبود محیط زیست انجام نمی شود و هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. که این نوع پژوهش خیلی مفید نیست.

حداقل یک مقاله با یافته های "منفی" آمد (آن اینکه؛ مردم برای بهبود خاصی در محیط زیست مایل به پرداخت نبودند. که بهیچ وجه نقص مطالعه نبود.) که اطلاعات بسیار مفیدی به تصمیم گیرندگان می داد. در چنین مواردی، محققان نباید با "پردازش" داده ها سعی در بدست آوردن نتایج "مثبت تری" کنند.

به طور مشابه، مقالات با یافته های خلاف شهود به احتمال زیاد برای جلب توجه بودند. (آنهایی که به چالش عقل سلیم آمدند. چنین مقالاتی استثنایی هستند (طبق تعریف). مطرح شدن با فرضیه های رمانتیک آسان نیست. اما قطعا به امتحانش می ارزد.

خیلی از این مثالها استفاده خیلی موثری از مرور متون کرده بودند. هدف از مرور متون صرفا حذف احتمال انجام مطالعه مشابه توسط فرد دیگری نبود. نویسندگان نسبتا زیادی اطلاعات با ارزشی از موارد و تجربیات کشورها بدست آوردند که در کشور خودشان نمی توانستند آن اطلاعات را بررسی کنند. این فرصت آنها را قادر می سازد تا یافته هایشان را در یک زمینه تطبیقی قرار دهند و نتایج سیاستگذاری را ترسیم کنند که در غیر اینصورت برای آنها ممکن نبود.

ارزیابیهای سیاستگذاری که به اثرات توزیعی ("چه کسی تحت تاثیر قرار خواهد گرفت و چقدر؟") و امکان اجرای اقدامات موثر سیاستگذاری توجه کرده بود. این مقاله توسط Ferraro & Simpson در مقاله "پرداختهای جنگل" چرایی مورد علاقه بودن وضع موجود، پیش بینی مخالفتها با تغییر پیشنهادی سیاستگذاری، و استدلالهای مخالف ارائه شده را توضیح دادند.

این نویسندگان برای ارائه موثر استدلالهایشان از چه تکنیکهایی استفاده کرده بودند؟

اول از همه، وظیفه آنها دقیقا دیدن آن چیزی بود که واقعیت داشت (ارائه یک استدلال، بجای ارائه داده ها. آنها هدف از پژوهش خود را تلاش برای پاسخ به یک سوال قرار داده بودند. داده ها تنها وسیله ای برای پاسخ به آن سوال بود. ارزش افزوده یک گزارش خوب پژوهش در تفسیر داده ها نهفته است) نه خود داده ها.

مقالاتی که از مدل ها استفاده کردند، توضیح دادند به چه علت مدل ها نتایج خاص تولید کردند. آنها منطق اقتصادی پشت مدل را توضیح دادند. به همین دلیل روشن می کند که یک سیاستگذاری هزینه بیشتری خواهد داشت یا اثرات توزیعی متفاوت از دیگری دارد - مدل هایی مانند "جعبه سیاه" بعید به نظر می رسد که خیلی مورد علاقه خوانندگان باشند.

حتی ساده ترین مدل ها اگر توسط یک توضیح کلامی کوتاه همراه باشد مؤثرتر خواهد بود. اگر یک مدل نرخ بازده داخلی بر روی یک پروژه را $X\%$ نشان می دهد، به چه معنا است؟ سیاستگذاران در اولین نگاه به توصیه ها و تنها بعد از آن به شکلهایی که توصیه ها را تبیین می کنند توجه می کنند.

به طور کلی، موثرترین مقالات؛ مختصر و روشن بودند و یک بخش جامع نتیجه گیری و توصیه داشتند. خواننده می توانست از آنچه نویسندگان توصیه می کردند (و چرا) فقط با خواندن بخش گزارش مقاله درک کاملی بدست آورد. در عمل، این دقیقا همان چیزی است که اکثر خوانندگان انجام می دهند - تنها اقلیتی از خوانندگان دقیقا یک گزارش را از اول تا آخر می خوانند. درصدی از سیاستگذاران که حتی کمتر از این می خوانند. که مایه تاسف است، اما واقعیت دارد.

این مقالات همه در استفاده از اعداد بسیار اقتصادی عمل کردند. اغلب آنها تنها با استفاده از چند عدد بزرگ و یک جفت در هیچ جا از اعداد استفاده نکردند. اعداد معمولا به نزدیکترین عدد یا حداکثر تا یک رقم اعشار گرد شدند. برای قابل فهم تر کردن اعداد از مقایسه شکلها استفاده شد. تعداد جداول کم بود و ساده بودند.

اگر به نمونه ۳۰ تایی مقالات سیاستگذاری خودمان نگاه کنیم و آنها را با گزارش تحقیق EEPSEA مقایسه کنیم، تفاوتها قابل توجهند:

EEPSEA Research Reports		
مقاله	نمونه	

تعداد صفحه	۲۱	۶۰
تعداد جدول	۳	۲۵

که ویژگی نویسندگان موثر دیگر را به ذهن می آورد - آنها کشفهای خواننده را پوشیده اند (خود را بجای خواننده قرار داده اند). از خود می پرسند "اگر من خواننده این گزارش بودم، در این گزارش بدنبال چه چیز بودم؟ در کجای گزارش آنرا جستجو می کردم؟" در روش برقراری ارتباط نوشتاری بین روزنامه نگاران و تحلیلگران سیاستگذاری و روش تفکر دانشگاهی در باره آن یک تفاوت بزرگ وجود دارد. واضح است که روزنامه نگاران ساختار مقالات خود را متفاوت - آنها ابتدا نتیجه و سپس اطلاعات حمایتی، و بعد بک گراند را قرار می دهند. دانشگاهیان آن را به روش دیگری انجام می دهند. اما ممکن است چیزی اساسی تر در رفتن نیز وجود دارد. برای روزنامه نگاران، نوشتن یک "فعل" است. در هنگام نوشتن، آنها خود به جای مخاطبان قرار می دهند- عبور یک پیام برای رسیدن به کسی، روشی است که شما ممکن است تویی را پرتاب کنید. آنها به محل قرار گرفتن دست فرد توجه دارند و تویی از سمت آنها با سرعت مناسب پرتاب می شود به طوری که طرف مقابل بتواند آن را بگیرد.

اما برای بسیاری از دانشگاهیان، نوشتن مانند یک اسم است. نوشتن فرایندی است که در آن ما گزارشی ایجاد می کنیم. گزارشی نیست که خیلی جنبه ارتباطی داشته باشد بطوریکه رسانه ای برای ذخیره داده هاست. ما زمان و تلاش برای جمع آوری اطلاعات صرف کرده ایم، می خواهیم مطمئن شویم که دور از دسترس و ایمن ذخیره شده است. این نوع گزارش نویسی روشی برای حفظ داده ها برای نسل های آینده است. هزار سال بعد در چنین روزی، باستان شناسان دفتر ما را حفر خواهند کرد، این گزارشها را در قفسه های بایگانی ما پیدا خواهند کرد و " برای پیدا کردن EEPSEA خدا را شکر می کنند!"

لیکن ما در حال نوشتن برای باستان شناسان نیستیم - ما در حال نوشتن برای سیاست گذارانی هستیم که "اینجا و اکنون" زندگی می کنند. وقتی که می نویسیم به حفظ آنها در ذهنمان نیاز داریم. اگر بتوانیم این کار را انجام دهیم، شاید انتظاری هزار ساله برای پیدا کردن گفته های ما توسط کسی که علاقه مند به آنچه ما می گوئیم لازم نباشد!